روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

یکشنبه ۱۳ مهر ۱۴۰۴ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۵۰۴

سرمایه گذاری برای تولید

همشهری

■حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
با دشمنِ دوستت دوست مشو که با این کار با دوستت دشمنی میکنی.

■ اذان ظهر: ۱۱:۵۳ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۴۲
■ اذان مغرب: ۱۸:۰۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۱
■ اذان صبح فردا: ۴:۴۰ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۰۳

حافظ
دل می‌رود ز دستم صاحب‌دلان خدا را
دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■مدیر مسئول: محسن مهدیان
■سردبیر: دانیال معمار
■دبیر تحریریه: شهرام فرهنگی
■معاونان سردبیر: علی عمادی، شاهین امین
■مدیر فنی: حامد یزدانی
■مدیر هنری: مهدی سلامی
■دبیر عکس: امیر پناهپور

■سیاسی‌ودیپلماتیک:
■مدیر: حسین ارجلو
■شهرنگار:
■مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■دبیر: مریم باقرپور
■اقتصاد:
■مدیر: حسین لطفی
■دبیر: مریم موسی‌پور
■تماشاگر:
■مدیر: امیر محمد یعقوب‌پور
■دبیر: لیلی خرسند
■گزارش:
■مدیر: فهیمه طباطبایی

■سرزمین من:
■مدیر: سیده زهرا عباسی
■دبیر: زهرا رفیعی
■تندرستی:
■مدیر: جواد نصرتی
■دبیر: مریم سرخوش
■سرنخ:
■مدیر: جواد عزیزی
■دبیر: محمد جعفری
■دانستنیها:
■مدیر: ساسان شادمان
■دبیر: زهرا خلجی

■جامعه:
■مدیر: مسعود میر
■دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
■۲۴(سینما و تلویزیون):
■مدیر: سعید مروتی
■دبیر: علیرضا محمودی
■صفحه آخر:
■دبیر: عیسی محمدی
■سرگرمی:
■دبیر: فرزام شیرزادی
■طرح و گرافیک:
■دبیر: محمدعلی حلیمی

■سردبیر آنلاین:
اسماعیل سلطنت‌پور
■معاونان آنلاین:
مجتبی صادقی، کامران بارنجی، حامد فوقانی
■مدیر فضای مجازی:
زهراسادات بهشتی
■مدیر پخش زنده:
امیرحسین محمددوست
■مدیر تولید تلویزیون:
الهه‌سادات بهشتی

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■چاپ: همشهری
■تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین
■تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■همشهری آنلاین: www.hamshahrionline.ir
■سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

سوژه روز

آوارگی یعنی درس و بازی تعطیل

غزه؛ جایی که مدرسه سرپناه آواره‌ها می‌شود

محمد مصطفی‌نیا | «ما به جای درس خواندن در مدرسه، در آن زندگی می‌کنیم و به جای کیف مدرسه، کیف لباس برمی‌داریم.» این گفته دیاناست؛ یکی از کودکان فلسطینی غزه که در یک جمله وضعیت خودشان را به تصویر می‌کشد که برای سومین سال پیاپی، کلاس درس دیگر برای آنها سرپناه است؛ نه محل درس خواندن.
اخیرا اونروا، آژانس امداد و کار سازمان ملل متحد درباره پناهندگان فلسطینی (UNRWA) اعلام کرده که به‌دلیل تداوم جنگ برای سومین سال، نزدیک به ۶۶۰هزار کودک در نوار غزه از تحصیل محروم شده‌اند و هشدار داده که کودکان غزه در معرض خطر تبدیل شدن به «نسل گمشده» هستند.

به جای کتاب و دفتر، دنبال آب می‌گردیم

در گزارشی که عبدالمنعم مکی از دفتر مرکزی سازمان ملل‌متحد تهیه کرده، آمده است خبرنگار سازمان ملل‌متحد در بازدید از چند مدرسه در غزه که به سرپناه آوارگان تبدیل شده‌اند، با شماری از دانش‌آموزان گفت‌وگو کرده است؛ دانش‌آموزانی که مشتاق بازگشت به مدرسه و کلاس درس هستند. ۳سال است که کلاس‌های درس مدرسه‌های متعلق به اونروا به محل‌های زندگی شلوغ تبدیل شده‌اند. خبرنگار سازمان ملل متحد دیانا را در راهروی یکی از این مدارس می‌بیند. دیانا که با خانواده‌اش از محله شجاعیه آواره شده‌اند، وضعیت خودشان را اینطور توضیح می‌دهد: «ما دیگر نه بازی می‌کنیم و نه درس می‌خوانیم. حالا در مدرسه هیچ آموزشی وجود ندارد، بلکه ما در آن، زندگی می‌کنیم، غذا می‌خوریم و می‌خوابیم.»
جنای ۹ساله هم می‌گوید: «ما در مدرسه زندگی می‌کنیم، ولی می‌خواهیم به مدرسه برگردیم؛ مدرسه‌ای که در آن درس بخوانیم. ما به‌دلیل جنگ آواره شده‌ایم و دیگر غذا و نوشیدنی وجود ندارد.»
مسک که پدرش را در طول جنگ از دست داده، می‌گوید: «...پدرم در جنگ کشته شد. گناه من چیست که در این سن کم یتیم شدم؟ گناه من چیست که از خانواده و همه‌چیز محروم شدم؟» او جلوی اشک‌هایش را می‌گیرد، ولی نمی‌تواند گفت‌وگو را ادامه دهد.

کلاس‌های ساکت اردوگاه جنین

امسال این وضعیت فقط به نوار غزه محدود نمی‌شود، بلکه در بخش‌هایی از کرانه باختری هم کودکان آواره شده و از تحصیل بازمانده‌اند. رولاند فریدریک، مدیر امور اونروا در کرانه باختری می‌گوید که مدارس این آژانس همچنان پناهگاهی امن برای یادگیری کودکان هستند و به‌رغم بالا گرفتن خشونت و آوارگی، سعی دارند امکان آموزش با کیفیت و رفاه نسبی برایشان فراهم کنند.
مدیر امور اونروا در کرانه باختری اضافه می‌کند: «برای نخستین‌بار در تاریخ فعالیت این آژانس، امسال مقامات اسرائیلی از شروع فعالیت ۶مدرسه اونروا در قدس شرقی جلوگیری کردند. آنها در ماه مه (اردیبهشت) به زور این مدارس را تعطیل کرده بودند و همچنان جلوی فعالیت مجدد آنها را در سال تحصیلی جدید می‌گیرند. گفتنی است که حدود ۸۰۰کودک در این مدارس درس می‌خواندند و حالا فقط برخی از آنان توانسته‌اند در مدارس دیگر ثبت‌نام کنند.

عشق پای تخته سیاه

به بهانه ۵اکتبر، روز جهانی معلم، از تعدادی معلم فداکار یاد می‌کنیم و تمام‌قد برای این قشر فرهیخته می‌ایستیم

سیدسروش طباطبایی‌پور | روزنامه‌نگار | بعد از روزهای فارغ‌التحصیلی از دبیرستان برای دیدار با معلمی عاشق، قرار و مداری گذاشتیم و با بچه‌ها سراغش رفتیم. در میان سپاس‌ها و تقدیرها و تشکرها، وقتی مقامش را با مقام پیامبران مقایسه کردیم، برافروخته شد و گفت: «این‌رو نگین بچه‌ها! معلم کجا و پیامبرها کجا؟ من اگر حین تدریس، به‌طور اشتباهی به کسی نگاه بدی کرده باشم و یا اشتباهی به کسی نگاه نکرده باشم و اون دانش‌آموزها از خطای من غمگین شده باشن، من خطاکارم و باید به درگاه الهی پاسخ بدم، مقام من کجا و مقام پیامبرها کجا؟» و این حرف‌ها را که می‌زد، اشک در چشمانش جمع شده بود. بعدها به جمله او بسیار فکر کردم و دریافتم معلم‌های عاشق به چه ظرایفی می‌اندیشند و حتی نگاهشان نیز کنترل‌شده و هدفدار است. اینگونه بود که ایمان آوردم که معلمی شغل انبیاست! و حالا به بهانه امروز که مصادف است با ۵اکتبر، روز جهانی معلم، یادی می‌کنیم از معلمانی که در این سرزمین کاشتند تا دیگران برداشت کنند و سوختند تا دیگران راه را بسازند و به‌سوی هدفشان قدم بردارند؛ معلمانی که در فداکاری شهره شهر شدند و ستاره نامشان در آسمان این سرزمین درخشید.

مهدی رستگاری‌مقدم

۲دستگاه آمبولانس به همراه تیم درمانی به محل حادثه اعزام شدند، اما کار از کار گذشته بود. حسین و دوستانش، دانش‌آموزان همدانی همین هفته پیش حین بازدید علمی، در آب‌های عمیق سد اکباتان افتادند و «مهدی رستگاری»، معلم ورزش مدرسه آنها و از ورزشکاران کونگ‌فوی استان همدان، بدون لحظه‌ای درنگ خودش را برای نجات شاگردانش به آب زد. معلم ۳دانش‌آموز را نجات داد اما به‌خاطر عمق و جریان زیاد آب، با حسین غرق شدند.

حسن امیدزاده

حوالی ساعت ۱۱صبح در سرمای بهمن سال ۱۳۷۶ به‌خاطر وزش باد شدید، آتش از بخاری کلاسی در مدرسه روستای بیجارسر گیلان به کلاس سرایت کرد و به سرعت گسترش یافت و این «حسن امیدزاده» بود که با فداکاری، جان ۳۰دانش‌آموز را نجات داد و خودش در آتش سوخت و سر و صورتش جراحت فراوان دید. او در سال ۹۱ و در ۵۸ سالگی بر اثر شدت جراحات زندگی را بدرود گفت و نامش ماندگار شد.

حمیدرضا گنگوزهی

تازه ۶ماه بود که سربازمعلم شده بود و وقتی در ۱۵فروردین ۱۳۹۵باد وزید، احساس کرد دیوار حیاط مدرسه در روستای نوگجو در حال ریزش است. پس به سمت شاگردانش دوید تا زیر آوار نمانند. حتی ۳دانش‌آموز باقی‌مانده را هم به سرعت از مهلکه نجات داد و با رفتن آخرین نفر، دیوار ناایمن، مقاومتش را از دست داد و فرو ریخت و «حمیدرضا گنگوزهی» از اهالی شهر خاش نامش در قلب‌های اهالی سیستان و بلوچستان ماندگار شد.

زهرا مافی شورستانی

نیمه‌شب ۲۶بهمن سال ۱۳۹۳بود، در مدرسه‌ای شبانه‌روزی در قزوین. بچه‌ها خواب بودند و معلمشان، «زهرا مافی شورستانی» با احساس سردرد و سرگیجه از خواب بیدار شد. او توانست خودش را به سختی به بخش‌های دیگر خوابگاه برساند تا دختران را بیدار کند، اما بچه‌ها دچار مسمومیت شدید به‌خاطر استنشاق گاز شده بودند. او آن‌قدر با مشت‌های محکم به در کوبید تا بچه‌ها بیدار شدند و به داد هم رسیدند و همانجا آن معلم فداکار از هوش رفت؛ البته او هم نجات یافت.

فاطمه مولوی

سراب گاماسیاب، تفرجگاهی است در شهرستان نهاوند که مدرسه، بچه‌ها را برای اردو به آنجا برده بود. در طول اردو، یکی از بچه‌های کلاس دوم دبستان، می‌رود تا دستانش را در آب رودخانه بشوید. او تعادلش را از دست می‌دهد و داخل رودخانه می‌افتد. معلمش، «فاطمه مولوی» صدایش را می‌شنود و با اینکه شنا بلد نبود، داخل آب رودخانه می‌پرد و دانش‌آموزش را مثل دخترش نجات می‌دهد و خودش هم نجات می‌یابد.

سعید حاجی‌زاده

سعید حاجی‌زاده معلمی ۲۶ساله بود که در مسیر رسیدن به مدرسه با اتوبوس تصادف می‌کند و همه سرنشینان جان می‌دهند غیر از او. حتی امدادگران تصور می‌کردند او هم فوت کرده، اما به شکلی معجزه‌آسا متوجه می‌شوند سعید زنده است. به‌خاطر کمبود جا او را در بخش بیماران کلیوی بستری می‌کنند و او هم به یاد یکی از دانش‌آموزان که مشکل کلیه داشت و به همین دلیل از تحصیل محروم شده بود، نذر می‌کند کلیه‌اش را به او ببخشد.

محمدعلی محمدیان

بهمن ۱۳۹۲بود و محمدعلی محمدیان، معلم دبستانی در روستای شیخ شلتوت مریوان فهمید یکی از شاگردانش سرطان گرفته و موهایش به‌خاطر عوارض این بیماری ریخته است و دوست ندارد سر کلاس بیاید. او از پسرک دعوت می‌کند سر کلاس بیاید و خودش هم موی سرش را می‌تراشد و به‌دنبال آن، تمامی بچه‌های کلاس هم موهای خود را می‌تراشند. این کار معلم فداکار مریوانی بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها پیدا کرد.

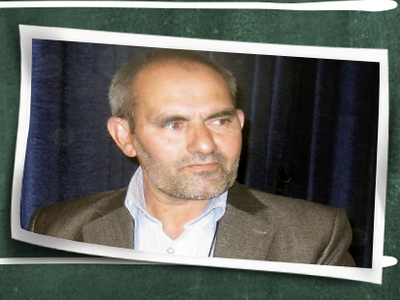

علی بهاری

معلم‌ها همیشه مراقب شاگردانشان هستند؛ علی بهاری هم از این قاعده مستثنی نبود. یکی از بچه‌ها از کلاس اول تا چهارم شاگردش بود و به‌خصوص در سال چهارم، معلم می‌دید که شاگردش روزبه‌روز ضعیف‌تر از گذشته می‌شود و رنگ به رو ندارد و چهره‌اش زرد شده است. با پیگیری‌های علی بهاری، خانواده متوجه می‌شوند فرزندشان نارسایی کبدی دارد و این معلم فداکار، بخشی از کبد خود را به دانش‌آموزش اهدا می‌کند.

مرتضی اصغری

بسیاری از معلم‌ها، بخشی از زمان و وقتشان را خارج از مدرسه بدون چشمداشت به دانش‌آموزانشان می‌بخشند و شاید این شکل فداکاری هم به چشم کسی نیاید. یکی از این معلمان فداکار، مرتضی اصغری، معلم نمونه اهری سال‌ها بعد از پایان مدرسه، به خانه یکی از دانش‌آموزانش می‌رفت که به‌خاطر روماتیسم شدید مفصلی، توان راه‌رفتن نداشت و از تحصیل محروم شده بود.

خوش خبر

لبخند رایگان در ترافیک

در میان شلوغی خیابان‌های شهر، صحنه‌ای متفاوت نگاه‌ها را متوقف کرد؛ یک خودرو که روی شیشه‌اش نوشته شده بود: «من دندانپزشکم! اگر دندان‌درد یا نیاز به خدمات دندانپزشکی دارید، ماشین من را متوقف کنید. با ویزیت رایگان.» صاحب خودرو، دندانپزشک جوانی است که بدون شماره تماس یا تبلیغ تجاری، تنها با یک جمله ساده اعلام آمادگی کرده تا در هر لحظه به نیازمندان کمک کند. هدفش پیدا کردن بیماران، نه برای کسب درآمد که برای التیام درد و نشان دادن چهره‌ای انسانی از حرفه‌اش است.
ویدئوی کوتاه این حرکت، صدای چند رهگذر را ثبت کرده که با تحسین و لبخند او را «آدم به درد بخور» می‌دانند و این فیلم به سرعت در شبکه‌های مجازی پربازدید شده و مورد تحسین کاربران قرار گرفت. همین چند ثانیه، روایتگر فلسفه‌ای است که در آن پزشکی از کلینیک شیک و وقت ملاقات رسمی فاصله می‌گیرد و به کنار خیابان، جایی در دسترس‌ترین نقطه برای مردم می‌آید. این رفتار شاید کوچک به‌نظر برسد، اما پیام بزرگی دارد: درمان و همدلی می‌توانند بدون مرز و دفتر باشند. در روزگاری که روابط انسانی گاه در سایه معاملات و تبلیغات گم می‌شود، یک دندانپزشک جوان یادآور شد که مهارت‌های تخصصی، زمانی ارزشمندتر می‌شوند که در خدمت مستقیم جامعه قرار بگیرند.

عکس خانه

روایت تصویری از زندگی پرندگان

در یکی از بزرگ‌ترین رقابت‌های عکاسی جهان، رویداد بین‌المللی «عکاس پرندگان سال ۲۰۲۵» با شرکت هزاران هنرمند از قاره‌های مختلف برگزار شد. بیش از ۲۵هزار اثر از ۴گوشه دنیا، راهی داوری شدند و در میان انتخاب‌های نهایی، صحنه‌هایی دیده می‌شود که شاید تنها یک‌بار در زندگی پرنده‌نگران رخ دهد؛ لحظه‌هایی پر از حرکت، رنگ و رازهای زندگی پرندگان در زیستگاه‌هایشان. تصاویر منتخب، هم نمایش قدرت تکنیکی عکاسان حرفه‌ای است و هم سندی برای زیبایی و شکنندگی دنیای پرندگان؛ جهانی که برای بقا، نیازمند مراقبت و احترام ماست. هر قاب، داستانی از پرواز یا رفتارهای منحصربه‌فرد ثبت کرده و نگاه‌ها را به جزئیاتی می‌کشاند که در دید روزمره محو می‌شوند.